

جستاری سبک‌شناسانه به سوره مبارکه «مرسلات»

علیرضا کاوه نوش‌آبادی،^۱ عباس اقبالی،^۲ فاطمه لطفی مفرد نیاسری^۳

چکیده

قرآن کریم، کتاب هدایت‌بخش آسمانی، زیبایی‌ها و لطایف بسیاری را در خود گنجانده است تا آنجا که می‌توان گفت به دلیل داشتن ویژگی‌های بی‌بدیل، یک کتاب فوق بشری و فرا زمانی است. این کتاب، آکنده از ظرافت‌های ادبی و جنبه‌های زبانی و سبکی است. جستار حاضر نیز، از رهگذر سبک‌شناسی با سطوح مختلف فکری، زبانی و ادبی و با روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی و تحلیل سبک سوره‌ی مبارکهٔ مرسلات که یکی از سوره‌های مکی به شمار می‌رود پرداخته است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش پیش‌روی، می‌توان به نوع فواصل و تکرارها در سطح آوایی، نوع جمله‌ها و فعل‌ها با توجه به محور هم‌نشینی در سطح نحوی و آرایه‌هایی نظیر «تناسب»، «تشبیه»، «تضاد» و «فلش‌فوروارد» در سطح ادبی اشاره نمود. به بیانی دیگر، تناسب میان الفاظ و معانی، مفاهیم و بافت‌های بیانی و تعبیری در این سوره حاکی از آن است که سبک حاکم بر آن در سطوح مختلف، با روح کلی قرآن یعنی دعوت به تدبیر و هدایت از درون هماهنگ است و در نهایت نشانه‌ای از اعجاز بیانی (تعبیری) این سوره می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سبک‌شناسی، مرسلات، سطح زبانی، تکرار.

kaveh2959@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۵

تاریخ وصول: ۹۴/۰۸/۲۸

مقدمه

یکی از علوم نوین زبان‌شناسی، سبک‌شناسی است. این پدیده به مثابه یک علم یا یک روش به تحلیل و شناخت متن از چشم‌انداز زبانی می‌پردازد. «سبک‌شناسی اصولی را در اختیار محقق می‌گذارد که در پرتو آن می‌توان انتخاب خاص زبان را در قالب «توانش زبانی» تبیین کرد و این‌که زبان چگونه به کار گرفته شده است و از کجا بفهمیم که چه معنایی دارد، چه معنایی به آن داده شده و چه معنایی می‌تواند داشته باشد» (حسنعلیان، ۱۳۸۹: ۱۳۲). قرآن که سخن لایزال الهی است قرن‌ها پیش، از طریق وحی بر سینه مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شد. «از آن‌جا که قرآن متنی مقدس و قدسی است، نمی‌توان و از ادب شرعی به دور است که درباره آن، همانند سایر کتاب‌ها سخن گفت، یا آن را در معرض پژوهش‌های زبان‌شناسی و مخصوصاً سبک‌شناسی آورد. ولی از سوی دیگر از آن‌جا که قرآن یک سند عظیم‌الشان زبانی و یک اثر بسیار مهم ادبی است، لذا شاید با قید احتیاط و رعایت احترام جنبه قدسی آن بتوان به ضرورت بحث و تحقیق از این زاویه نیز به آن نگرست و درباره آن بحث کرد» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۹: ۶/۱). این کتاب آسمانی، به عنوان یک متن، آکنده از ویژگی‌های فراسبکی، فرازبانی، فراهنجاری، فرامنطقی و فراعلمی است (دیانتی، ۱۳۷۵: ۱۲۶). ساختار متن قرآن نه در ردیف اغراض شعر می‌آید، نه در شمار انواع نثر؛ چنانکه دکتر طه حسین در این باره می‌گوید: «قرآن نثر نیست، چنان که شعر هم نیست. قرآن فقط قرآن است و بس؛ نمی‌توان عنوانی دیگر غیر از این کلمه برای آن برگزید.» (طه حسین، ۱۹۵۹: ۱۴۴-۱۵۱). از این رو، واکاوی متن قرآن با معیارهای سبک‌شناسی شایان توجه است. در این مجال سوره "مرسلات" از جمله سوره‌هایی است که از نشانه‌های سبکی خاصی برخوردار است. این جستار به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که سوره مرسلات از نظر سطوح مختلف سبک‌شناسی یعنی سطح فکری، سطح زبانی و سطح ادبی چه ویژگی‌هایی دارد؟ سبک به کار بسته در این سوره با رسالت کلی قرآن چه ارتباطی دارد؟

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های سبک‌شناسی اخیر، بسیاری از متون ادبی اعم از شعر و نثر مورد واکاوی سبک‌شناسانه قرار گرفته‌اند. سبک‌شناسی قرآن نیز توجه برخی از پژوهشگران ادبی را به خود جلب کرده است و ره آورد آن آثاری است که در تحلیل سبک سوره‌ها به منصفه ظهور رسیده است از جمله:

۱. «سوره یس دراسة دلایة» عنوان پایان‌نامه‌ای است از ثلجه شتاج که در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹م در دانشگاه حاج لخصر باتنه در کشور الجزایر به دفاع رسید. در این پژوهش سوره یس، در سطوح آوایی، صرفی، ترکیبی و معجمی یا لغوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "سوره الواقعة، دراسة أسلوبیة" از بلاد سامی إحمود الفقهاء که در سال ۲۰۱۲م در دانشگاه شرق الأوسط به دفاع رسید. نویسنده در این پایان‌نامه سطوح آوایی، صرفی و نحوی و بیانی این سوره را مورد کاوش و بررسی خود قرار می‌دهد.

۳. «پیش درآمدی بر سبک‌شناسی قرآن» عنوان مقاله‌ای است از محمد دیانتی که در تابستان سال ۱۳۷۵ در شماره ۲ مجله علوم و معارف قرآن به چاپ رسید. در این مقاله تلاش نویسنده بر آن است تا پس از ارائه کلیات سبک‌شناسی، منحصر به فرد بودن سبک خاص قرآن را اثبات نماید.

۴. «سبک‌شناسی سوره مریم^(ع)» عنوان مقاله‌ای است از محمد خاقانی و محمد جعفر اصغری که در فصل‌نامه علمی- پژوهشی «لسان مبین» دوره دی‌ماه ۸۹ به چاپ رسید. این پژوهش به بررسی رابطه بین واژگان، مترادف، مشترک لفظی، تکرار، افراد، جمع، تعریف، تنکیر، استفهام و آواشناسی در این سوره می‌پردازد.

۵. مقاله‌ای تحت عنوان «ومضات أسلوبیة فی سوره الرحمن» به قلم محمد خاقانی و مریم جلیلیان که در شماره ششم مجله علمی- پژوهشی «بحوث فی اللغة العربیة و آدابها» در دانشگاه اصفهان به چاپ رسید. این مقاله نیز چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی و معنایی را در این سوره مورد بررسی قرار می‌دهد.

۶. مقاله‌ای تحت عنوان «دراسة أسلوبیة فی سوره ص» از نصرالله شاملی و سمیه حسنعلیان که در شماره اول سال چهاردهم در سال ۱۴۳۲ ه. ق در مجله آفاق الحضاره به چاپ رسید. این مقاله نیز چهار سطح آوایی، معنایی، ترکیبی و سطح تصویرگری را مورد سبک‌شناسی قرار می‌دهد.

با نگاهی به پژوهش‌های حاضر و دیگر پژوهش‌ها، می‌توان گفت تاکنون پژوهشی مستقل در مورد «سبک‌شناسی سورهٔ مرسلات» صورت پذیرفته است.

بحث و بررسی

الف) تعریف سبک‌شناسی (Stylistics)

سبک در اصل واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای گداختن زر و نقره است، ولی نظریه‌پردازان اخیر، سبک را به طور مجازی به معنای طرز خاصی از نظم و نثر به کار برده‌اند و آن را برابر واژه "Style" اروپائیان قرار داده‌اند. در اصطلاح ادبی سبک روشی است که شاعر یا نویسنده برای بیان موضوع خود برمی‌گزیند. یعنی همان شیوه نگارش است. شاعر و نویسنده به وسیلهٔ سبک در تمام مراحل، از انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را در اثر ادبی برجای می‌نهد (د/د، ۱۳۱۲: ۲۷۶-۲۷۵). سبک‌شناسی دانشی است تلفیقی که دانش‌های مختلفی چون نقد ادبی، بلاغت و زبان‌شناسی را در برمی‌گیرد و وحدتی است که در آثار یک ادیب به چشم می‌خورد؛ مجموعه‌ای از ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی که تنها مختص آن اثر است (شریم، ۱۹۸۷: ۳۷). به تعبیری دیگر «سبک‌شناسی» دانش یا روشی است که کارکرد واژگان در متن، الفاظ و اصوات موجود در آن و میزان اثرگذاری آن‌ها و چینششان در کنار یکدیگر را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و مخاطب آگاه با اندکی دانش نسبت به این علم می‌تواند به دلالت‌های فرامتنی یا هامشی و ایحایی یک متن که در ورای متن نهفته است دست یابد.

ب) کارکرد سطوح مختلف سبک‌شناسی در سورهٔ مرسلات

در بررسی سبک‌شناسی یک متن، روش‌های مختلفی قابل ذکر است اما شاید به طور کلی بتوان گفت یکی از بهترین تقسیم‌بندی‌ها، تجزیه و تحلیل یک متن بر اساس سه سطح فکری، زبانی و ادبی است. نکته‌ای که ناگزیر باید به آن اشاره شود این است که از میان ویژگی‌های که در ساختار یک متن به چشم می‌خورد تنها می‌توان برای برخی از آن‌ها ارزش سبکی قائل شد و آن، اینکه از ویژگی تکرار برخوردار باشند.

ب-۱) سطح فکری

یکی از سطوحی که در سبک‌شناسی یک متن قابل بررسی است سطح فکری آن است؛ این سطح محتوای اصلی و اندیشهٔ حاکم را بر یک متن، مورد کندوکاو قرار می‌دهد. سوره «مرسلات» از جمله سوره‌های مکی قرآن به شمار می‌رود، محور این سوره در سطح فکری، پردازش و تبیین اصول اعتقادی دین است. عنوان و سرآغاز این سوره با آغازگر نخستین آیهٔ آن «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا» (مرسلات/۱) و با محتوای کلی این سوره که پیرامون روز قیامت و بحث انذار و تبشیر است، هماهنگ است. علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید: «این سوره یوم الفصل را که همان روز قیامت است خاطر نشان ساخته است، خبر از وقوع آن را تاکید می‌کند و این تاکید خود را با تهدیدی شدید به منکرین آن و انذار و تبشیر به دیگران توأم نموده، جانب تهدید را بیش از سایر مطالب تاکید می‌کند زیرا ده مرتبه می‌فرماید: «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» «وای در آن روز بر تکذیب‌گران». این سوره به شهادت سیاق، آیاتش در مکه نازل شده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۲۳۳). و نیز می‌توان گفت به طور ضمنی به مسألهٔ معاد که یکی از اصول دین به شمار می‌رود، اشاره دارد. در تفسیر نمونه نیز به این نکته اشاره شده است که «سوره‌های هود، واقعه، عم يتساءلون و مرسلات سوره‌هایی هستند که احوال قیامت و مسائل هول‌انگیز آن دادگاه بزرگ الهی را منعکس می‌کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵/۳۹۳).

ب-۲) سطح زبانی

سطح زبانی به عنوان یکی از لایه‌های مهم سبک‌شناسی به حساب می‌آید که خود، به سه سطح آوایی، نحوی و لغوی تقسیم می‌شود.

ب-۲-۱) سطح آوایی

از جمله مسائلی که باعث ایجاد اختلاف در سبک‌های مختلف می‌شود سطح آوایی یا موسیقایی آن است که بر زیبایی و تأثیرگذاری یک نوشتار می‌افزاید. هرچند برخی معتقدند که نثر فاقد موسیقی است ولی باید متذکر شد که آنچه در نثر نیست موسیقی بیرونی است که بر اثر وزن و قافیه به وجود می‌آید. موسیقی درونی که زاییده سجع و جناس، آهنگ الفاظ، انواع تکرارها، موسیقی مصوت‌ها و درآمیختگی آن با صامت‌هاست در نثر مشاهده می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳). اهمیت سطح آوایی در آن است که صوت و موسیقی به کار برده شده در یک متن، انفعالات درونی و احساسات نویسنده متن را به دست می‌دهد و همین انفعال درونی است که به تنوع صوت، مد، غنه، لین و... منجر می‌شود (الرافعی، ۱۹۹۷: ۱۶۹). نسبت به سبک موسیقی به کار رفته در این سوره بلکه تمام قرآن باید اذعان داشت که موسیقی قرآن نوع خاصی است که از انواع موسیقی متعارف شعر اعم از شعر کلاسیک، شعر آزاد و شعر سپید متمایز است. «سید قطب» در این باره می‌گوید: «سبک و سیاق موسیقایی قرآن ویژگی‌های شعر و نثر را در خود جمع آورده است. اما تعبیر و بیان قرآنی از قید و بند قافیۀ یکسان و تفعیله‌های مشخص و کامل فراتر رفته است ولی باید گفت موسیقی درونی و فاصله‌های متقارب الوزن را از شعر أخذ کرده است.» (سید، ۱۹۸۳: ۱۰۲). از آنجا که در سطح آوایی و هویت‌بخشی به عنصر موسیقی یک متن، فاصله، تکرار حروف و تکرار واژگان نقش‌آفرینند، در این سوره نیز فاصله، تکرار حروف و تکرار واژگان و تکرار عبارت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب-۲-۱-۱) فاصله

منظور از فاصله در قرآن کریم، آخرین کلمات آیات است. فاصله در قرآن همانند قافیه در شعر و سجع در نثر است. این نام‌گذاری به اقتباس از این سخن حق تعالی است: (کتاب

فصلت آیات» (فصلت / ۳) رعایت فاصله در قرآن نوعی زیبایی موسیقایی به وجود می آورد که در گوش و دل مخاطب تأثیر عمیقی می گذارد (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۴۳). فاصله در آیاتی که در مورد برشمردن نعمات الهی است کوتاه و متشابه است اما فاصله در آیات وعید و وصف عذاب نسبت به دیگر آیات طولانی تر است (خاقانی و جلیلیان، ۱۳۹۱: ۴۴). واژه های مختوم به «-ا» مانند عرفا، عصفا، عذرا و نذرا بر کشیدگی و طولانی بودن فاصله دلالت می کند. به هر حال فواصل قرآنی یک نوع موسیقی زیبایی را به وجود آورده و بر تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر روی مخاطب و جذب او به عبارت مفهوم بسیار کمک می کند. در این مجال فواصل سوره مرسلات قابل تدبیر هستند بویژه برخی از آنها که از بسامد تکرار برخوردار که به شرح زیر است:

۱. فواصل مختوم به «ون»: قادرون، تکذّبون، لاینطقون، یعتذرون، یکیدون، عیون، یشتهون، تعلمون، مجرمون، لایرکعون، یؤمنون.
۲. فواصل مختوم به «ین»: المکذبین، الأولین، الآخین، المجرمین، مهین، مکین، المحسنین.

۳. فواصل مختوم به «-ت»: طمست، فرجت، نسفت، أقتت، أجلت.

۴. فواصل مختوم به «را»: نْشرا، ذْکرا، نْذرا.

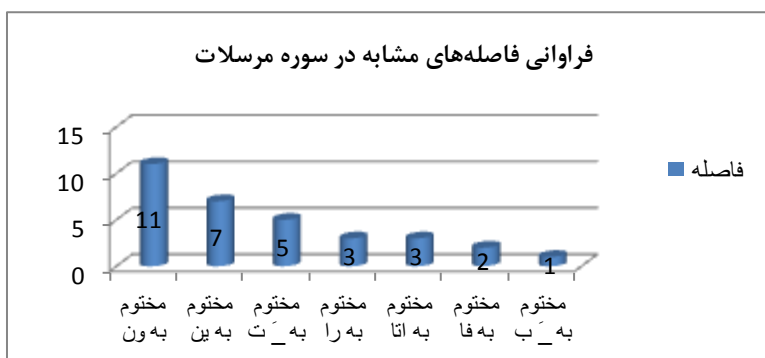
۵. فواصل مختوم به «اتا»: مانند کفاتا، امواتا و فراتا.

۶. فواصل مختوم به فا: عْرفا، عْصفا.

۷. فواصل مختوم به ب: شُعب، لْهَب.

جدول شماره ۱: فراوانی فاصله‌های مشابه در سوره مرسلات

| فاصله | مختوم به «ون» | مختوم به «ین» | مختوم به «ت» | مختوم به «را» | مختوم به «اتا» | مختوم به «فا» | مختوم به «ب» |
|-------------|---------------|---------------|--------------|---------------|----------------|---------------|--------------|
| تعداد تکرار | ۱۱ | ۷ | ۵ | ۳ | ۳ | ۲ | ۲ |



نمودار شماره ۱: فراوانی فاصله‌های مشابه در سوره مرسلات

با توجه به آمار فوق چنین برداشت می‌شود که واژه‌های مختوم به «ون» و پس از آن واژه‌های مختوم به «ین» از بیشترین بسامد در فاصله‌های این سوره برخوردار است. «از ویژگی‌های «نون» انبثاق، نفوذ (تأثیر) و صمیمیت است. صوت این حرف از نوعی درد عمیق و متناسب با فطرت سرچشمه گرفته است.» (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۰ و ۴۱ و ۲۱). «نون بعد از حروف مد در قرآن بسیار وارد شده است که خود نوعی رمز و راز موسیقایی خاصی را پدید می‌آورد که بخش زیادی از فواصل قرآنی را به خود اختصاص داده است.» (الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۵۵). فراوانی بالای فواصل مختوم به نون حامل دلالت‌های موسیقایی و نیز معنایی می‌باشد، چه این واژگان بعد از مصوت بلند واو و یاء، به ویژه در هنگام وقف، نوعی مد را به وجود می‌آورد؛ موسیقی برآمده از ترکیب این صامت و مصوت‌ها به نوعی حزن عمیق را می‌رساند و با دیگر ویژگی‌های این حرف انطباق دارد. درنگ و تدبیر در فواصلی چون مکذّبین، تکذّبون، مجرمون، مجرمین و ... حالتی عاطفی همراه با حزن و اندوه را تداعی

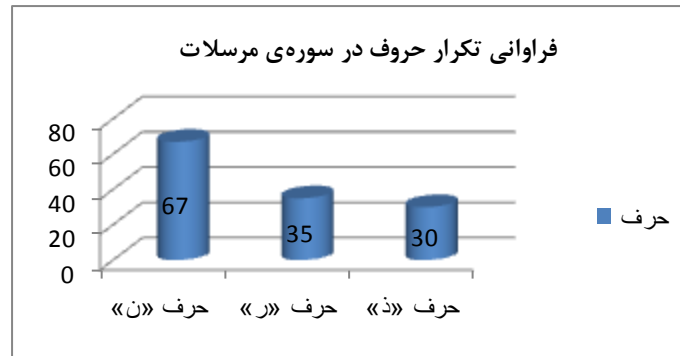
می‌کند بدین معنا که ای تکذیب‌کنندگان، با وجود وفور نعمت‌های لایزال الهی، چرا تکذیب می‌کنید؟! وای بر شما از جرمی که دارید و از جزایی که در انتظارتان است.

ب-۲-۱-۲) تکرار حرف

از میان حروف بکار رفته در سوره مرسلات، به ترتیب این حروف از بسامد بالاتری برخوردارند:

جدول شماره ۲: فراوانی تکرار حروف در سوره مرسلات

| نوع حرف | ن | ر | ذ |
|-------------|----|----|----|
| تعداد تکرار | ۶۷ | ۳۵ | ۳۰ |



نمودار شماره ۲: فراوانی تکرار حروف در سوره مرسلات

۱- «نون»: نون از حروف مجهوره و با شدت متوسط به شمار می‌آید. نون ساکن نیز از حروف خیشومی و غنه محسوب می‌شود. از ویژگی‌های این حرف همانطور که بیان شد «انبثاق، نفوذ (تأثیر) و صمیمیت است. صوت این حرف از نوعی درد عمیق و متناسب با فطرت سرچشمه گرفته است.» (عباس، ۱۹۹۱: ۱۶۰ و ۴۱ و ۲۱). این حرف بیشترین بسامد را در این سوره، در مقایسه با دیگر حروف داراست به طوری که شصت و هفت بار تکرار شده است. بنابراین با توجه به ویژگی‌های این حرف، شاید بتوان گفت در سخن وحی، نفوذ و تأثیر و صمیمیتی را که بیانگر نوعی حزن عمیق نیز می‌باشد، می‌رساند. بیشترین تکرار حرف نون را می‌توان در واژه «مکذبین» مشاهده کرد زیرا این واژه، بارها تکرار شده و

مورد تأکید واقع شده است گویی که نوعی حزن عمیق را هم بدنبال دارد و مصرانه می‌گوید چرا تکذیب می‌کنید؟ وای بر تکذیب‌کنندگان. سخنانی که البته با نوعی تحریک هم همراه است چرا که پس از تکرار این عبارت، سخن از متقین و پرهیزگاران به میان آورده و یا بیان می‌دارد آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ بنابراین می‌توان نوعی بیان عاطفی و صمیمیت را در این سوره و آیات آن مشاهده نمود.

۲- «ذال»: این حرف سی و پنج مرتبه در این سوره تکرار شده است. ذال صفت جهر دارد و از حروفی است که کم‌ترین پیچیدگی را داراست و نوعی خشونت و حرارت در آن نهفته است (همان، ۵۵ و ۵۹ و ۶۰). و نیز متناسب با وعده و انذار است، مشدد بودن این حرف نیز بر تأکید آن می‌افزاید و بر شدت انذار می‌افزاید (خاقانی و جلیلیان، ۱۳۹۱: ۴۷). این حرف بیشترین بسامد را در واژه «مکذبین» دارد و همین امر تناسب لفظ با معنا را در سخن، به خوبی می‌رساند.

۳- «راء»: از ویژگی‌های این حرف تکرار، تحرک و لرزش است و تکرار واقع در حرف «راء» حاصل لرزش سطح زبان است (عبدالله، ۲۰۰۸: ۱۲۷). این حرف نیز سی مرتبه در سوره تکرار شده است. بنابراین این حرف نیز به نسبت دیگر حروف از فراوانی بیشتری برخوردار است. تکرار این حرف، نوعی موسیقی را بوجود می‌آورد و گویی اینکه مفهوم نیز به طور ضمنی و نامحسوس تکرار می‌شود.

ب- ۲-۱-۳) تکرار واژه

واژه‌ای که در این سوره بسیار مکرر آمده، «یوم» است. این واژه یک بار به صورت نکره و در قالب استفهام مطرح شده است ﴿لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾ (مرسلات/۱۲). ابتدا، نکره مطرح شدن «یوم» شاید بدین سبب باشد که مخاطب را به یک امر ناشناخته توجه داده تا در پس آن وی را به ادامه سخن و تدبیر سوق دهد. پس از آن، واژه «یوم» به صورت معرفه ذکر می‌شود؛ دو مرتبه با مضاف‌الیه «الفصل» جمع شده و ده مرتبه هم با ظرف مبنی «إِذَا» در قالب «یومئذ». نکته قابل ذکر این‌که «تنوین إِذْ» در یومئذ، عوض از جمله محذوف است و یوم ظرف زمان با نقش مفعول‌فیه و منصوب با فتحه ظاهری است» (یعقوب، ۱۳۸۱: ۷۲۲). تنوین إِذْ در این عبارت «عوض از جمله مقدره (إِذَا يَفْصَلُ بَيْنَ الْخَلَائِقِ) می‌باشد.»

(صافی، ۱۴۱۸: ۲۹/۲۰). تکرار زیاد این واژه، بر تأکید آن دلالت دارد. در واقع روز قیامت و آنچه که وعده داده شده، مورد تأکید واقع شده است و به نوعی، مسأله معاد را که از اصول دین به شمار می‌رود یادآور می‌شود.

ب-۲-۱-۴) تکرار عبارت

(وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ) این عبارت ده مرتبه در این سوره تکرار شده است. تکرار این عبارت شدت اهمیت و تأکید بسیار مفهوم این عبارت را می‌رساند. شایان ذکر است که این عبارت بجز تکرار در این سوره، دو مرتبه دیگر نیز در سوره‌های ذاریات و طور آمده است. بنابراین مسأله تکذیب‌کردن به اندازه‌ای حائز اهمیت بوده که بارها نفس عبارت ذکر شده است و سخن الهی نیز بر هشدار و انذار با واژه ویل تأکید دارد زیرا بر اساس نظر برخی «ویل»، وادی پرعذابی در جهنم است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰۳/۶) و (اندلسی، ۱۴۲۰: ۴۴۶/۱). و با این تفسیر، شاید بتوان چنین برداشت کرد که ای تکذیب‌کنندگان اگر تکذیب کنید و به کار خود ادامه دهید جایی بهتر و برتر از چاه ویل برای شما در روز قیامت نخواهد بود. به طور کلی می‌توان گفت که تکرار یک عبارت می‌تواند باعث ایجاد یک نوع هماهنگی و توازن در کلام شود که به طور آشکار و البته پنهان در عبارت موجود است. پر واضح است که تکرار مایه ژرف بخشیدن به معنا و مفهوم است و عواطف را تشدید کرده و بر تأثیرگذاری سخن می‌افزاید.

ب-۲-۲) سطح نحوی

در سطح نحوی جمله‌ها از نظر «محور همنشینی»، کوتاهی و بلندی، نوع جملات، اسمیه و فعلیه بودن بررسی می‌شوند. در واکاوی جمله‌های سوره مرسلات از لحاظ کوتاهی و بلندی؛ با توجه به مکی بودن آن، جمله‌ها کوتاه است. و از نظر نوع جمله؛ جملات قسم و شرطی پر بسامدند.

بسامد نوع جملات در این سوره:

ب-۲-۲-۱) جمله‌های سوگندی

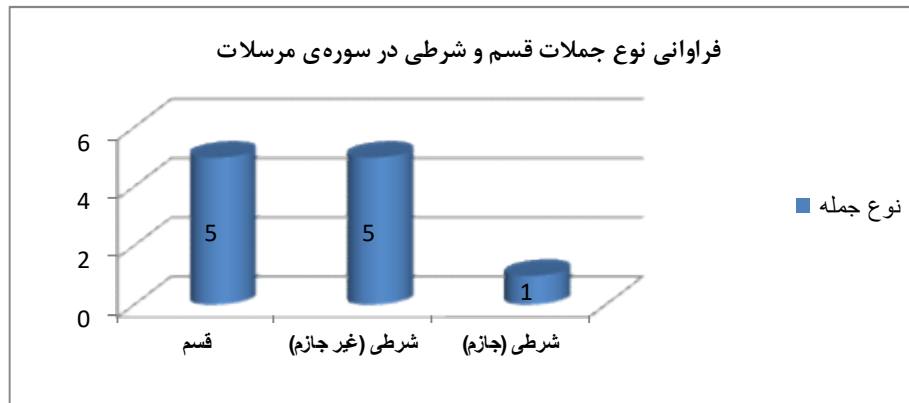
جمله‌های قسم: این سوره با پنج جمله قسم متناوب آغاز می‌شود و پس از شش آیه جواب قسم ذکر می‌گردد. این نکته شایان ذکر است که این صحیح است که تنها یک جمله دارای واو قسم است و «واو» و یا «فاء» در چهار جمله بعد، حرف عطف محسوب می‌شود اما همان دلالت معنایی را دارد یعنی بر قسم دلالت می‌کند. اینکه خداوند متعال در پنج آیه به اشکال مختلف قسم یاد می‌کند به نظر می‌رسد به حتمی بودن وقوع آنچه که بندگان وعده داده شده‌اند اشاره دارد و میزان تأکید و اهمیت آن را می‌رساند. سوگند اول و دوم ناظر به مساله بادها و طوفانها است، و سوگند سوم و چهارم و پنجم ناظر به نشر آیات حق به وسیله فرشتگان و سپس جدا کردن حق از باطل و پس از آن، القاء ذکر و دستورهای الهی به پیامبران که در حقیقت به منظور اتمام حجت و انذار است. اگر قسمتهای پنج‌گانه فوق، طبق این تفسیر بیان شود تناسبی با مقسم به یعنی چیزی که برای آن سوگند یاد شده است خواهد داشت و تفسیر اخیر از این نظر برتری دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۵/۳۹۱). جواب قسم عبارت (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ) (مرسلات/۷) می‌باشد. یعنی حقایق و واقعیت رستاخیز و معاد، و می‌دانیم در آستانه رستاخیز دگرگونی عظیمی در عالم پیدا می‌شود، طوفانهای شدید زلزله‌ها و حوادث تکان‌دهنده از یک سو، و سپس تشکیل دادگاه عدل الهی از سوی دیگر که در آنجا فرشتگان نامه‌های اعمال را نشر می‌دهند و میان صفوف مؤمنان و کافران جدایی می‌افکنند و حکم الهی را در این زمینه القا می‌کنند (همان: ۳۹۱). این عبارت از تأکید بسیار زیادی برخوردار است.

ب-۲-۲-۲) جمله‌های شرطی

شروع ۵ پنج عبارت با إذا که شرط غیر جازم است و دلالت بر زمان نیز دارد، و یک عبارت با إن شرطی (أدات جازمه): (فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا) (مرسلات/۳۹). جواب جملات شرطی که با إذا شروع می‌شود، عبارت مکرر (وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) است. بنابراین می‌توان گفت با این جواب، انذار و هشدار نسبت به تکذیب‌کنندگان، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳: فراوانی نوع جملات قسم و شرطی در سورة مرسلات

| شرطي | | قسم | نوع جمله |
|----------|--------------|-----|---------------|
| شرط جازم | شرط غير جازم | | |
| ۱ | ۵ | ۵ | تعداد فراوانی |



نمودار شماره ۳: فراوانی نوع جملات قسم و شرطی در سورة مرسلات

ب-۲-۲-۳) جمله‌های اسمیه

اسمیه بودن جمله، شروع با *إِنَّ*، آمدن حرف تأکید لام مزحلقة بر سر خبر، جملگی نشانه تأکید است. نکته قابل ملاحظه دیگر در مورد این عبارت اینکه ما در *إِنَّمَا*، کافه زائده نیست بلکه مای موصوله و اسم *إِنَّ* می‌باشد و تنها متصل آمدن آن به دلیل رسم الخط این کتاب آسمانی است. بنابراین این جمله اسمیه بوده و تأکید بیشتر مفهوم عبارت را می‌رساند. ناگفته نماند این سبک قسم‌ها در سه محل از قرآن کریم آمده و در هر سه محل، وقوع قیامت از آن نتیجه‌گیری شده است یکی این آیات، دیگری آیات سورة مبارکه ذاریات ﴿وَالذَّارِيَاتُ ذُرُوءًا فَالْحَامِلَاتُ وِقْرًا...﴾ و نیز آیات سورة مبارکه نازعات ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا...﴾ (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۰-۹).

ب-۲-۳) سطح لغوی

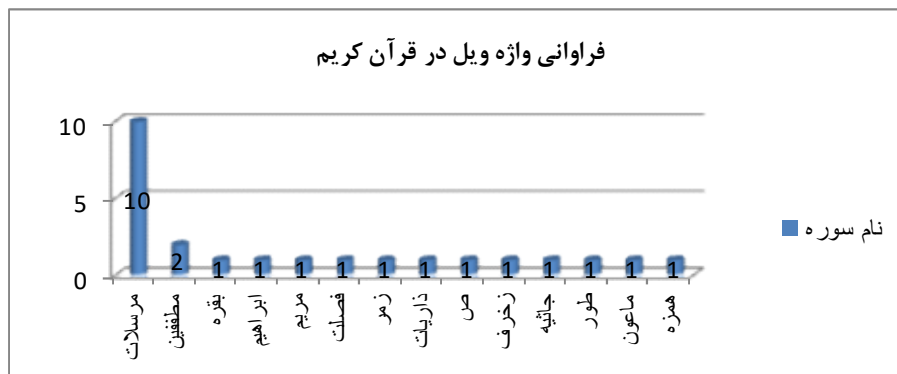
در سطح لغوی، نحوه‌گزینش واژگان، ساده یا مرکب بودن الفاظ، کهن‌گرایی، بسامد واژگان و نوع‌گزینش واژگان با توجه به محور جانشینی مورد بررسی قرار می‌گیرد (محمود خلیل، ۲۰۱۰: ۱۶۶-۱۶۵).

- «ویل»: از مهم‌ترین واژه‌هایی که می‌توان آن را در این سوره، مورد تحلیل سبکی قرار داد واژه «ویل» است، چرا که بیشترین تکرار را داراست، و همانطور که گفته شد عبارت یا واژه‌هایی ارزش سبکی دارد که تکرار شده باشد. «ویل» در لغت عرب در مواردی گفته می‌شود که فرد یا افرادی به هلاکت بیافتند، و معنی عذاب و بدبختی می‌دهد، و به گفته بعضی مفهومی شدیدتر از عذاب دارد. واژه‌های «ویل» و «ویس» و «ویح» در لغت عرب در مواردی به کار می‌رود که شخصی به حال دیگری تاسف می‌خورد، منتها «ویل» در موارد کارهای زشت و قبیح گفته می‌شود و «ویس» در مقام تحقیر، و «ویح» در مقام ترحم. جمعی نیز گفته‌اند: «ویل» چاه یا دره‌ای است در دوزخ، ولی منظور این گویندگان این نیست که در لغت به این معنی آمده بلکه در حقیقت بیان یک نوع مصداق است. این تعبیر در قرآن مجید در موارد زیادی از جمله درباره کفار، مشرکان، دروغگویان، تکذیب‌کنندگان، گنهکاران، کم‌فروشان، و نمازگزاران بی‌خبر به کار رفته است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۰۲/۲۲). در اینجا «ویل» حکایت از سرنوشت دردناک تکذیب‌کنندگان در آن روز می‌کند. منظور از «مکذبین» در اینجا کسانی هستند که قیامت را تکذیب می‌کنند، و کسی که ایمان به قیامت و دادگاه عدل خداوند و حساب و جزا نداشته باشد به آسانی مرتکب هر گونه گناه و ظلم و فساد می‌شود، اما ایمان راسخ به آن روز به انسان تعهد و احساس مسؤولیت و تقوی و پرهیزگاری می‌بخشد (همان، ۴۰۳/۲۵).

واژه ویل در قرآن بیست و چهار مرتبه ذکر شده است که تنها دوازده بار آن در عبارت «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» به کار رفته است که ده مرتبه آن در سوره مرسلات و یک بار هم در آیه ۱۰ سوره مطفین و یک بار نیز در آیه ۱۱ سوره طور. با نگاهی به آیات قرآن، می‌توان دریافت بیشترین بسامد این کلمه با این عبارت است و در همین سوره به کار رفته است که در مورد تکذیب‌کنندگان به کار رفته است.

جدول شماره ۴: فراوانی واژه ویل در قرآن کریم

| شماره آیه | شماره تکرار | نام سوره |
|-----------------------------|-------------|----------|
| ۴۹/۴۷/۴۵/۴۰/۳۷/۳۴/۲۸/۲۴/۱۹/ | ۱۰ | مرسلات |
| ۱۰ / ۱ | ۲ | مطففین |
| ۷۹ | ۱ | بقره |
| ۲ | ۱ | ابراهیم |
| ۳۷ | ۱ | مریم |
| ۶ | ۱ | فصلت |
| ۲۲ | ۱ | زمر |
| ۶۰ | ۱ | ذاریات |
| ۲۷ | ۱ | ص |
| ۶۵ | ۱ | زخرف |
| ۷ | ۱ | جاثیه |
| ۱۱ | ۱ | طور |
| ۴ | ۱ | ماعتون |
| ۱ | ۱ | همزه |



نمودار شماره ۴: فراوانی واژه ویل در قرآن کریم

زمان افعال و ضمائر هم از جمله مشخصه‌های سبک‌ساز در این سطح است (محمود خلیل، ۲۰۱۰: ۱۶۶-۱۶۵). در سوره مرسلات، «انطلقوا»: واژه است که در سطح لغوی مورد

تحلیل قرار می‌گیرد. فعل «انطلقوا» مأخوذ از مصدر «انطلاق» است. این فعل دو مرتبه، در آیات ۲۹ و ۳۰ سوره ذکر شده است. بر اساس محور جانشینی اگر واژه‌ای به جز انطلاق در این دو آیه قرار می‌گرفت به نظر می‌رسد مفهوم نهفته در این واژه را نمی‌رساند؛ زیرا «مادۀ انطلاق به معنی حرکت کردن بدون توقف و مکث است، یعنی به سوی آتشی که نادیده می‌گرفتید و آن را تکذیب می‌کردید بروید و حرکت کنید.» (دخیل، ۱۴۲۲: ۱/۱۷۹۰) آن هم حرکتی بدون هیچ توقف و مکنی. چه خوش گفت در این باره:

جانب دوزخ شوید اکنون روان ز آنچه می‌کردید خود تکذیب آن
(صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۸: ۱/۱۰۶)

ب-۳) سطح ادبی

در سطح ادبی به میزان ادبیت متن و عوامل تأثیرگذار و زیبایی‌ساز متن توجه شده و مواردی چون صور بیانی و بدیعی مانند تشبیه، استعاره، رمز، کنایه، ایجاز، تصاویر گوناگون، جان‌پنداری، فلش بک، فلش‌فوروارد و... مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد؛ از این رو در سبک‌شناسی سوره مرسلات مواردی مانند «تناسب»، «فلش‌فوروارد»، «تشبیه» و «تضاد» مورد بررسی قرار می‌گیرند:

ب-۳-۱) تناسب

تناسب یا مراعات النظیر به معنای جمع آوردن واژه‌هایی است که در یک موضوع با یکدیگر اشتراک دارند و به نوعی در یک مجموعه قرار می‌گیرند مثلاً در این آیات (فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ) (مرسلات/۱۰ و ۹ و ۱) واژه‌های جبال، سماء، نجوم با یکدیگر تناسب دارند. از دیگر موارد تناسب نیز می‌توان به «رواسی» و «شامخات»، «أسقینا» و «ماء» اشاره نمود: (وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِي شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا) (مرسلات/۲۷).

ب-۳-۲) فلش‌فوروارد

فلش‌فوروارد یا جهش به آینده در مقابل فلش بک یا جهش به گذشته قرار دارد و در واقع مخاطب را به یک‌باره در زمانی که هنوز فرا نرسیده و مربوط به آینده است قرار

می دهد. از این صنعت ادبی در این سوره بسیار بهره گرفته شده است چون دائماً سخن از روز قیامتی که قرار است در آینده رخ دهد به میان آمده است و اتفاقات آن روز را به تصویر می کشد. مثلاً عبارت‌هایی چون ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمَسَتْ وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ﴾ (مرسلات ۱/ و ۹ و ۱۰) در آن هنگام که آسمان بشکافد، آن هنگام که کوه‌ها پراکنده گردند و عبارت‌هایی از این دست، همگی جهش به آینده است که البته این کار به طور عبث و واهی صورت نگرفته بلکه در راستای تأکید بر وقوع حادثه و برایی عدالت و ملموس و واقعی جلوه دادن حوادث روز قیامت و دال بر حتمی بودن آن‌ها است.

ب-۳-۳) تشبیه

تشبیه، یکی از صنایع پرکاربرد ادبی است که «مایه تجلی معانی نهفته و زیبایی بیان و تقریب معانی است» (الهاشمی، د.ت: ۲۴۷). به عنوان مثال؛ آیه‌های ﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ﴾ (مرسلات/۳۲ و ۳۳) حاوی این صنعت زیبای ادبی است. در دو آیه مذکور شراره‌های جهنم در بلندی و عظمت به کاخ بلند و زردی و شعله‌ور بودن به اشترانی زردرنگ تشبیه شده‌اند. در تفسیر نمونه در خصوص تشبیه شراره‌های آتش به کاخی بلند این‌گونه آمده است: «تعبیر «قصر» (کاخ) در اینجا تعبیر پر معنایی است، شاید تصور شود مناسب‌تر این بود که گفته شود جرقه‌هایی همچون کوه، ولی نباید فراموش کرد کوه‌ها منبع انواع برکات است و سرچشمه‌های آب فرات و گوارا، این قصرها و کاخهای ستمکاران هستند که منشأ شعله‌های سوزان و آتش‌های شرربارند.» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۱۹/۲۵). برخی از مفسران مانند «فخر رازی» از «ابن عباس» نقل کرده‌اند که در تفسیر «قصر» گفته است منظور چوب‌هایی که از بیابان می‌بریدند و روی هم جمع‌آوری می‌کردند و برای زمستان روی هم می‌چیدند؛ بعید نیست این تفسیر هم بخاطر آن باشد که انبوه هیزم‌های روی هم چیده شده را تشبیه به کاخ بلند (قصر) می‌کردند (همان، ۴۱۹).

ب-۳-۴) تضاد

تضاد یا طباق، یعنی جمع بین دو لفظ که در معنا مقابل یکدیگرند (الهاشمی، د.ت: ۳۶۶). در سوره مرسلات دو بار این صنعت ادبی بکار رفته است «الأولین و الآخِرین» و

«أحياءٌ و أمواتاً». از زیبایی‌های تضاد می‌توان به روشنگری آن، تداعی لفظ مقابل آن، هدایت مخاطب به یادآوری لفظ مقابل و... اشاره کرد.

نتیجه

در سبک‌شناسی متن، تکرار به پدیده‌های سبکی ارزش می‌دهد که در بسیاری از موارد، در سطوح مختلف با هدف و آگاهانه از سوی نگارنده صورت می‌پذیرد. با بررسی و تحلیل سبک‌شناسی سوره مرسلات در سه سطح فکری، زبانی (آوایی، نحوی و لغوی) و ادبی معلوم شد:

۱. در سطح فکری محور این سوره پردازش و تبیین اصول اعتقادی دین است.
 ۲. در سطح زبانی (آوایی) نوع فواصل، تکرارها و برخی از جملات به آفرینش یک نوع هارمونی انجامیده که در گوش و دل مخاطب اثرگذار است.
 ۳. در سطح زبانی (لغوی) کاربرد واژگانی چون «ویل» و «انطلاق» بر تناسب لفظ با معنای مورد نظر متن دلالت می‌کند.
 ۴. در سطح زبانی (نحوی) بر اساس محور هم‌نشینی، وجود انواع جمله‌ها قابل ملاحظه است؛ جمله‌های شرطی و قسم از بسامد بالایی برخوردارند و الفاظ متناسب با معنا است.
 ۵. در سطح ادبی نیز، آرایه‌هایی همچون تشبیه، تضاد، تناسب و فلش فوروارد قابل ملاحظه است که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود بر زیبایی سخن افزوده است.
- این ویژگی‌ها جملگی با روح کلی قرآن یعنی دعوت به تدبّر و سوق به هدایت از درون هماهنگ است. ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (النساء/۸۲).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ). *لسان العرب*، ط ۳، بیروت: دار الصادر.
۳. اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴هـ). *المحیط فی اللغة*، حقه محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب، ط ۱.
۴. اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*، حقه محمد جمیل صدقی، بیروت: دار الفکر.
۵. حسنعلیان، سمیه، (۱۳۸۹). *بررسی سبک شناسانه سوره مریم (ع)*، مجله قرآن شناخت، سال سوم، شماره دوم.
۶. خاقانی، محمد و جلیلیان، مریم، (۱۳۹۱). *ومضات أسلوبیة فی سورة «الرحمن»*، مجله بحوث فی اللغة العربیة وآدابها، عدد ۶، ربیع و سیف ۱۴۳۳/هـ ۱۳۹۱، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۷. خرماشاهی، بهاءالدین، (۱۳۸۹). *قرآن پژوهی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴.
۸. داد، سیما، (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، انتشارات مروارید، ج ۱.
۹. دخیل، علی بن محمد علی، (۱۴۲۲). *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ج ۲.
۱۰. دیانتی، محمد، (۱۳۷۵). *پیش‌درآمدی بر سبک شناسی قرآن*، نشریه علوم و معارف قرآنی، شماره ۲.
۱۱. الرفاعی، مصطفی الصادق، (۱۹۹۷). *إعجاز القرآن والبلاغه النبویه*، قاهره: دار المنار.
۱۲. الزمخشری، محمود: (۱۴۰۷هـ). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الكتاب العربی، ط ۳.
۱۳. صافی، محمود بن عبدالرحیم، (۱۴۱۴هـ). *الجدول فی إعراب القرآن*، بیروت: دار الرشید مؤسسه الإیمان.
۱۴. صفی‌علی‌شاه، حسن بن محمد باقر، (۱۳۷۸). *تفسیر صفی*، تهران، انتشارات منوچهری، ج ۱.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۶. الشایب، أحمد، (۱۹۴۵). *الأسلوب دراسة بلاغیة تحلیلیة لأصول الأسالیب العربیة*، مصر: مكتبة النهضة المصریة.
۱۷. شریف جوزیف، میثال، (۱۹۸۷). *دلیل الدراسات الأسلوبیة*، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع.
۱۸. شمیس، سیروس، (۱۳۷۴). *کلیات سبک شناسی*، تهران: انتشارات فردوس، ج ۳.
۱۹. الصغیر، محمد حسین، (۲۰۰۰). *الصوت اللغوی فی القرآن*، بیروت: دار المورخ العربی.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵.
۲۱. طه حسین، (۱۹۵۹). *مرآة الإسلام*، مصر: دار المعارف.
۲۲. عبادیان، محمود، (۱۳۷۲). *درآمدی بر سبک شناسی در ادبیات*، تهران: انتشارات آوای نور، ج ۲.
۲۳. عباس، حسن، (۱۹۹۸). *خصائص الحروف العربیة ومعانیها*، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۲۴. عبدالله، محمد فرید، (۲۰۰۸). *الصوت اللغوی و دلالاته فی القرآن الکریم*، بیروت: دار و مكتبة هلال.

۲۵. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷). *تفسیر أحسن الحديث*، تهران: بنیاد بعثت، ج ۳.
۲۶. قطب، سید، (۱۹۸۳). *التصوير الفني فى القرآن*، قاهرة: دار الشروق، ط ۸.
۲۷. محمود خلیل، ابراهیم، (۲۰۱۰). *النقد الأدبی الحديث من المحاكاة و التقليد*، عمان: دار المسيرة للنشر و التوزيع و الطباعة.
۲۸. مکارم شیرازی و دیگران، (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۹. النحوی، عدنان علی رضا، (۱۹۹۹). *الأسلوب والأسلوبية بین العلمانية والأدب الملتزم بالإسلام*، لا مک: دار النحوی للنشر و التوزيع، ط ۱.
۳۰. الهاشمی، احمد، (د.ت). *جواهر البلاغة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۱. یعقوب، ایمیل بدیع، (۱۳۸۸). *موسوعة الصرف والنحو والإعراب*، تهران: انتشارات استقلال، ط ۶.